روزنامه صبح
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی
توسعه ایرانی

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیر مسئول: مسعود حیدری
زیر نظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۶۶۹۵۶۶۰۰(۰۲۱)
نشانی سایت: toseeirani.ir
اینستاگرام: @tosee.irani

نگاهی به فعالیت هنری فرامرز پیلارام هنرمند فقید

رهیافتی هنرمندانه و نو از هنر خوشنویسی ایران

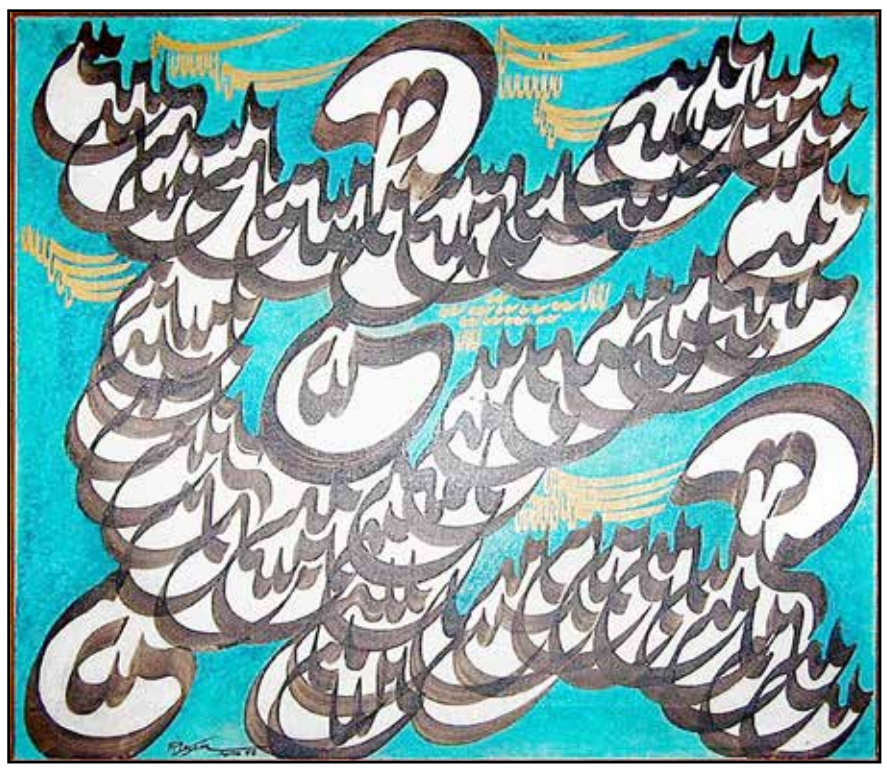

روزبه صدر

فرامرز پیلارام هنرمند فقید و از جمله نقاشان نوگرای ایران از جهات مختلفی در هنر معاصر ایران صاحب جایگاهی ویژه است که از مهم‌ترین آن‌ها باید به کوشش در وارد کردن عناصر نوشتاری در هنرهای تجسمی، همچنین فعالیت در «مکتب سقاخانه» و «گروه آزاد» به عنوان دو جریان هنری شناخته شده دهه‌های سی و چهل اشاره کرد. او تأثیر بسزایی در شکل‌گیری مفهومی تازه در گستره نقاشیخط مدرن داشته است. پیلارام خط را از چشم‌اندازی نقاشانه وارد کار خود کرد و به همین خاطر کارهای نقاشیخط او به شکل منحصربه‌فردی از دیگر هنرمندان این عرصه که اصولاً خوشنویس بودند متمایز است. از این رو می‌توان او را از پیشگامان نقاشیخط در ایران دانست. پیلارام با کاربرد خط در نقاشی، به خطاطی نیز شکل نوینی بخشید و آن را از چارچوب‌های سنّتی خارج کرد.

حیات‌بخشیدن به عناصر از یادرفتهٔ زندگی

فرامرز پیلارام معتقد بود که چون آثارش برگرفته از زندگی است، پس باید در خدمت مردم و در اختیار آنان باشد و تابلوها و آثار هنری باید از انحصار مجموعه‌ها و نمایشگاه‌ها خارج شود و حتی در سطح شهر در معرض دید مردم قرار گیرد تا همگان از آن بهره ببرند. او خود در مقدمه کاتالوگ نمایشگاهی که در سال ۱۳۵۴ در «گالری علاء» برگزار کرد، در توصیف رویکردش در خلق هنری می‌نویسد: «من با تخیلات خاص خود، غم‌ها و شادی‌های اطراف را به هم آمیخته‌ام. از تکرار یک فرم و ادغام عنصر خط در یکدیگر، در اندیشهٔ من، یک وحدت خاص ذهنی به وجود می‌آید که در اصل به واقعیت می‌پیوندد و از نظر من قابل فهم و تفسیر است. همه ترکیب‌های کار من، خود نشان‌دهندهٔ یک مفهوم واحد ذهنی است. پیچیدگی فرم، که در کارهای من به چشم می‌خورد، دلیل نامفهوم بودن روح اثر نمی‌شود. این زبان هنری من است و گویاست. اعتقادات و اندیشه‌های مردم به آزادی و آزادگی طبیعت است، اما هنگامی که انسان این آزادگی را در نمی‌یابد، طبیعت و دیگران را محکوم می‌کند. آنچه احساس مراراضی می‌کند، حیات بخشیدن دوباره به عناصر از یاد رفتهٔ زندگی است. آنچه را که حس می‌کنم، با حقیقت و واقعیت‌ها می‌آمیزم و در قالب کارهایم به آن جان می‌دهم. هدف من گسترش هنری اصیل، پاک و ایرانی است.»

پیلارام توانست رهیافتی مدرن از هنر خوشنویسی ایران را از چشم‌اندازی نو برای تاریخ هنر ایران به ارمغان بیاورد که شالوده تحول زبانی تازه برای هنر نوگرای ایرانی بود. او با همین رویکرد، با اجرای حروف و کلمات با قلم مو سطح بوم را به یک بستر نقاشی تبدیل می‌کند

پیلارام و به تصویر کشیدن نمادهای اصیل ایرانی

آنچه در عمد بررسی‌هایی که در ارتباط با هنر فرامرز پیلارام بر آن توافق شده، توجه ویژهٔ او به نمادهای ایرانی است. رسول معرک‌نژاد پژوهشگر هنر در توصیف این خصلت هنرمند، همچنین مسیری که او در قوام دادن به بیان هنری خود دنبال کرده می‌نویسد: «پیلارام همواره در پی به تصویر کشیدن نمادهای اصیل ایرانی بود. در کارهای اولیه‌اش مُهرهایی را که در قدیم به جای امضا از آن استفاده می‌کردند، بزرگ نمایی کرد و زمینه‌ای کتیبه‌گونه به وجود آورد و در آن نمادهای مذهبی، مانند عَلَم و پنجه، را با اشکال هندسی درآمیخت. او با علاقه و توجه به هنرهای سنّتی ایرانی، نظیر کاشیکاری و در مسیر یافتن راه‌های نو برای ترکیب‌بندی‌های جدید، و دریافت این مطلب که خط فارسی، بویژه نستعلیق، در تلفیق با نقاشی ویژگی ممتازی به تابلوها می‌بخشد، به آموختن خطاطی در انجمن خوشنویسان پرداخت و سپس مدتی در آنجا تدریس کرد. از آن پس، خط دستمایه اصلی آثار او شد. پیلارام با کاربرد خط در نقاشی، به خطاطی نیز شکل نوینی بخشید.

در سال ۱۳۴۱ پیلارام و تنی چند از هنرمندان دیگر مکتب سقاخانه را - که شیوه‌ای اصیل و بر پایه اعتقادات و نمادهای مذهبی و ایرانی بود - در نقاشی و مجسمه‌سازی بنیان نهادند. او در سومین و چهارمین دو سالانه تهران (۱۳۴۳ ش ، ۱۳۴۵ ش) شرکت کرد و برندهٔ مدال شد. پس از آن کارهای او و دیگر هنرمندان مکتب سقّاخانه به دوسالانه و نیز فرستاده شد و بسیار مورد توجه قرار گرفت . موزه هنرهای مدرن نیویورک هم یکی از آثار او و آثار چند تن دیگر از هنرمندان این مکتب را خریداری کرد. پیلارام در نمایشگاه‌های متعددی شرکت کرد. از جمله دو نمایشگاه مستقل در تالار فرهنگ (۱۳۴۲ ش)، نمایشگاه هنر معاصر ایران در موناکو (۱۳۴۳ ش) و نمایشگاه هنر معاصر ایران در امریکا (۱۳۴۷ ش). پیلارام در ۱۳۵۳ سال با هنرمندانی چون مرتضی ممیز، مارکو گریگوریان و چند تن دیگر، «گروه آزاد» را تشکیل داد. این گروه چهار سال فعالیت داشت و چندین نمایشگاه از آثار نقاشان ایرانی در شهرهای مختلف دنیا برپا کرد .پیلارام از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۹ با سمت استادیار در دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت به تدریس طراحی پرداخت.

تابلوهای رنگ و روغن پیلارام با ساختاری محکم است. خطوط حرکاتی آهنگین دارند که با تکرار یک حرف به وجود می‌آیند و ادغام خطوط سیاه و ضخیم و سفید و نازک و ترکیب آن‌ها با عنصر خط در آثار او نوعی وحدت به وجود می‌آورد. از دیگر ویژگیهای آثار پیلارام اندازه بزرگ تابلوهایش، غلبه شکل بر محتوا، تضادهای رنگی شدید و بهره گیری از رنگ‌ها به صورت حجیم و ضخیم است. از جمله آثار او می‌توان به تیغه‌ها (۱۳۴۱)، ترکیب بندی سبز (۱۳۴۶)، ریتم با کلمه علی (۱۳۵۰) و عاق والدین (۱۳۵۵) اشاره کرد. سایر فعالیت‌های او ساخت مجسمه‌های بزرگ برنزی و پیکره‌های عظیم چوبی به صورت حجم‌هایی تشکیل یافته از خط بود.»

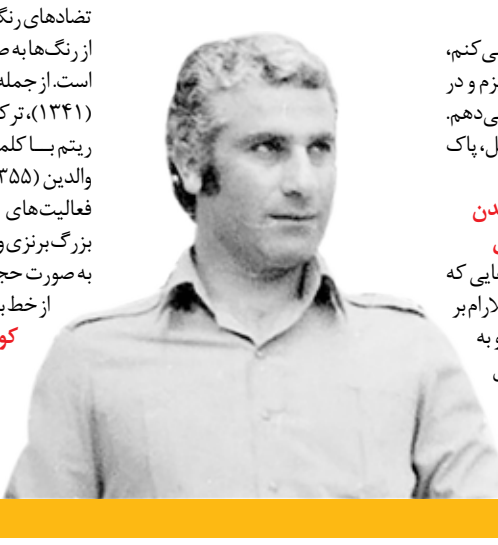

کوشش در تحول زبانی هنر نوگرای ایران

فرامرز پیلارام در این تلاش پرشور، ترکیب‌های بی‌معنایی از حروف را تنها به مثابه نشانه‌هایی تصویری، فارغ از کارکرد معنایی وارد کار نقاشی کرد و توانست رهیافتی هنرمندانه و مدرن از هنر خوشنویسی ایران را از چشم‌اندازی نو برای تاریخ هنر ایران به ارمغان بیاورد. همین مسیر، شالوده تحول زبانی تازه برای هنر نوگرای ایرانی بود.

هنرمند با تکیه بر همین رویکرد، با اجرای حروف و کلمات با قلم‌موی نقاشی و نه با قلم خوشنویسی سطح بوم را به یک بستر نقاشی تبدیل می‌کند. بداهه‌نویسی، رنگ‌گذاری‌های چندلایه و توجه به فضاهای منفی ایجاد شده در میان خطوط و فرم‌ها، در آثار او جایگاه ویژه‌ای دارند. تکرار چندین و چندباره یک کلمه یا ترکیب‌های موازی از برخی حروف در کنار رهایی حرکت قلم هنرمند، سبک اختصاصی اوست. این شاخصه بی‌شک الهام‌بخش خوشنویسان زیادی از نسل‌های بعدی نیز بوده است.

فرامرز پیلارام تأثیر بسزایی در شکل‌گیری مفهومی تازه در گستره نقاشیخط مدرن داشته است. پیلارام خط را از چشم‌اندازی نقاشانه وارد کار خود کرد و به همین خاطر کارهای نقاشیخط او به شکل منحصربه‌فردی از دیگر هنرمندان این عرصه که اصولاً خوشنویس بودند متمایز است

یادداشت

تاملی بر کارکرد جشنواره‌های هنری دولتی

نادر کمالوند

بخشی از نسبت جشنواره‌های هنری دولتی و جریان‌های هنری را باید در تقابل یک فعالیت رسمی دولتی -تاحد زیادی کنترل شده- و در مقابل آن جریان خودجوش فعالی دید که هنرمندان به طور معمول شکل می‌دهند. جریان‌هایی که از تجربهٔ زیسته هنرمند ناشی می‌شود و ممکن است لزوماً در چارچوب‌های از پیش تعیین شده این جشنواره‌ها نگنجد. علاوه بر این بعضی رویکردهای جشنواره‌های هنر دولتی چنین شکافی را عمیق‌تر نشان می‌دهد. یکی از این رویکردها در برگزاری جشنواره‌های دولتی این بوده که گاه این جشنواره‌ها در تقابل با بیینال‌های تخصصی هنرهای تجسمی قرار داده شده تا جایی که بیم آن می‌رود که این بیینال‌ها حتی از صحنه هنر ما حذف شوند. بیینال‌ها و رویدادهایی ضروری برای هنر جوامع هستند و رشد و تحول یک شاخه هنری را نشان می‌دهند؛ و این در حالی است که جشنواره‌ها اغلب استفاده‌های تبلیغی و ترویجی را شکل می‌دهند. این خیلی تفاوت دارد با جریان تخصصی بیینال که رشد جنبه‌های فنی هنر است و برای طیف هنرمندان جذابیت دارد.

این مورد اولی بود که به نظرم به این جشنواره‌ها آسیب رساند و ابتکارشان را گرفت. به همین علت محتوی یک جشنواره مشخص نشد. برای این که جشنواره بتواند در امر تبلیغ درست عمل کند باید محتوایش را تعریف کند. در حالی که این دست جشنواره‌ها به جای این که محتوای مشخص داشته باشند به یک بازار مکاره تبدیل شده‌اند که جنبه‌های تبلیغی‌شان قوی‌تر از محتوی عمل می‌کند. در واقع موضوع محتوا در جشنواره‌ها مسئله ثانویه‌ای بوده که باید مورد بازبینی واقع شود.

یک ضرورت غیرقابل انکار برای جشنواره‌ها این است که رابطه‌شان را هم با اهل هنر و هم با مسیر تحول هنر و نیازهای هنر باید به شکل واضح‌تری مشخص کنند. این مهندسی اجتماعی که در سطوح مختلف و گاهی خیلی ناشیانه و بدون برنامه‌ریزی رخ داده در ک نمی‌کند که نیاز به رشد هنر تجسمی و مثلاً نیاز به رشد هنر خوشنویسی در زمینه عینی اجتماعی‌شان چقدر است و این را از بالا تعیین می‌کنیم که این هنر رشد کند یا نکند. ما با نیازهای واقعی اجتماعی و با نیازهای واقعی هنرمندها و با نیازهای واقعی عواطف عمومی نمی‌توانیم ارتباط درست برقرار کنیم؛ در نتیجه آن چیزی که جشنواره‌ها را قامتی کج و معوج داده و اجازه اینکه رابطه‌شان را با جامعه هنری به خوبی برقرار کنند یک تناسب ضروری بوده که برآورده نشده و جای آن را ذهنیت‌های از پیش تعیین شده گرفته است. شاید همین‌ها مهم‌ترین مباحثی باشند که جشنواره‌های دولتی هنرهای تجسمی را به رویدادهایی تاثیرگذار تبدیل نکرده است. بنابراین تعیین درست‌تر جایگاه، وظایف و شیوه‌های عمل جشنواره‌ها امری ضروری است.

بنابراین جشنواره‌ها باید نقد شوند و جایگاهشان هم باید دوباره و این بار به درستی تعریف شود. اما این جایگاه مسلماً به دست گرفتن سرنوشت هنرهای تجسمی نخواهد بود. هنرهای تجسمی باید به شیوه دیگری سازمان‌دهی شوند و بایستی این درک شود که هنرمند باز تاب واقعی عواطف و احساسات عمومی جامعه است. باید اجازه داد این عواطف به شکل طور طبیعی شکل بگیرند. هنر تجسمی امروزه نقش انکارناپذیری در جزء جزء زندگی ما دارد. هر آن چه که ما با آن سروکار داریم و هر آن چه که درک می‌کنیم فیزیکی دارد که طراحی شده و تمام ذهنیت ما هم از چارچوب این فیزیک‌ها و این ایمیج‌ها و نشانه‌ها انتقال پیدا می‌کند. متاسفانه در جشنواره‌های دولتی این موضوع درک نشده و اگر از این هنر حمایت کافی نشود و برایش بستر فراهم نشود، اگر قواعد جریان کپی‌رایت شکل نگیرد و اگر اجازه ندهیم هنرمندهایی که با زندگی مردم مرتبط‌اند فعال بشوند و فقط بخواهیم هنر را به صورت گلخانه‌ای نگه داریم مسلماً نه تنها جشنواره‌ها و بیینال‌هایمان جواب نمی‌دهد بلکه آن بدنه‌ای که باید رشد کند و این جشنواره‌ها از آن تغذیه کنند هم رشد نخواهد کرد.

باید پتانسیل جشنواره را در ست شناخت. مجموعه‌ای از جشنواره‌ها، بیینال‌ها، سمپوزیوم‌ها و دیگر فعالیت‌های هنری بافت اجتماعی هنر را شکل می‌دهند و هیچ‌کدام به تنهایی کلیت این بافت را نمی‌سازد. متاسفانه جشنواره‌های دولتی در عرصه هنرهای تجسمی رویدادهایی عمدتاً تبلیغی هستند که مضامین مورد علاقه خود، یعنی مضامین هنر رسمی و مضامین تبلیغی را دنبال می‌کنند. واضح است که چنین رویدادهایی هرگز موفق نخواهند شد تمامیت هنر یک جامعه را پوشش دهند و مسئله مرکزی جریان هنر نخواهند بود. شیوه‌های نگرش ما در خدادهای هنری باید آزادانه و نقاد باشد. مباحث و مضامین جشنواره‌های دولتی لزوماً دغدغه‌های هنرمندان جامعه نیست؛ بلکه هنرمندان تجربه زیسته خودشان را دارند و دغدغه‌هایشان از درونشان برمی‌آید که گاهی سیاسی، تبلیغی و زمان‌های بیشتری شخصی است. بنابراین مسئله عبارت از این است که بدانیم جریان تحول زاینده هنر لزوماً از جریان هنر سیاسی یا سیاست هنری تبعیت نخواهد کرد. واقعیت این است که جریان هنر همواره دارد رشد می‌کند، نسل‌های تازه سر می‌رسند و هیچ گریزی از به رسمیت شناختن استقلال و رشد این جریان‌ها نیست.

بوم خبر

نمایشگاه مجازی برای عکس تئاتر

نخستین دوره نمایشگاه مجازی عکس تئاتر با عنوان «گالری مجازی» برگزار می‌شود. رئیس انجمن عکاسان خانه تئاتر، از برگزاری نخستین دوره نمایشگاه مجازی عکس تئاتر با عنوان «گالری مجازی» خبر داد. پری‌ناز آل‌آقا اعلام کرد: نمایشگاه «گالری مجازی» در راستای حمایت از اعضا انجمن عکاسان خانه تئاتر در برابر شرایط پیش آمده ناشی از شیوع ویروس کرونا به صورت مجازی و در صفحه اینستاگرام انجمن مذکور، از تاریخ ۲۷ فروردین برگزار خواهد شد. وی در ادامه افزود: با توجه به شرایط پیش آمده و مشکلات فراوان صنفی و معیشتی برای کلیه هنرمندان عرصه تئاتر ما هم در انجمن عکاسان خانه تئاتر پیگیر مطالبات صنفی اعضا هستیم و یکی از طرح‌های اجرایی بنده، با همکاری سایر اعضای هیات مدیره انجمن، برپایی این گالری مجازی است تا هم به پویایی اعضا در دوران قرنطینه کمک کرده باشیم و هم بتوانیم از ظرفیت‌های فضای مجازی برای پیشبرد امور صنفی بهره‌مند شویم. فراخوان «گالری مجازی» ویژه اعضای انجمن عکاسان خانه تئاتر به شرح زیر است: دنیا این روزها برای تمام ساکنین‌اش عجیب شده، گویی طبیعت می‌خواهد درس عبرتی نشان انسان‌ها دهد. ما این روزها تنها ماندن و به دور از هم بودن را تجربه می‌کنیم. تنهایی که به دائمی بودنش باور نداریم و امیدیم به روزهای پرهیاهو در آینده بسته‌ایم. حالا که به اجبار از هم دور مانده‌ایم، باید به فکر چاره‌ای بود که بیش از این تنها نمانیم. در روزگاری که شرایط بسیار پیچیده و دشواری پیش‌روی خانواده بزرگ تئاتر کشور قرار گرفته است با انتشار فراخوان «گالری مجازی» سعی می‌کنیم تا با استفاده از امکانات فضای مجازی، هنرمان را در روزهای قرنطینه زنده و پایدار نگه داریم.

نمایشگاه مجازی ۸۰ پرتره از پیشروان هنر و ادبیات معاصر

نمایشگاه مجازی هشتاد پرتره از پیشروان هنر و ادبیات معاصر ایران از ۲۰ فروردین ماه آغاز به کار کرد. آثار این نمایشگاه در تیرماه ۱۳۵۷ با تلاش کیوان مهجور، محمدابراهیم جعفری، یعقوب امدادیان و دیگر همکاران آنها، نمایشگاهی از ۲۱ هنرمند برگزار شد که در آن چهره ۸۰ نفر از پیشروان موسیقی، نمایش، هنرهای تجسمی، سینما، داستان‌نویسی، شعر و پژوهش در فرهنگسرای نیاوران به نمایش درآمده است. پرتره‌های این نمایشگاه آثار هنرمندانی چون رسام ارژنگی، علی‌اکبر صنعتی، ویکتور داریش، هوشنگ سیحون، حسین کاظمی، غلامحسین نامی، نیکزاد نجومی، هانیبال الخاص، بهروز گلزاری، آیدین آغداشلو، فرامرز پیلارام، صادق تبریزی، محمدحسین شیددل، محمدابراهیم جعفری، علی‌اصغر داوودی، پروانه اعتمادی، محمود اولیاء، احمد صنعتی، هایده زرین‌بال، مینو قاسمیه و نسرین افشار هستند. انتشار مجدد آثار کاتالوگ آن نمایشگاه در فضای مجازی به عنوان مرور بخشی از تاریخ هنر معاصر ایران و نمونه آثاری از هنرمندانی است که شاید این نوع آثار آنها را در چند دهه اخیر کمتر دیده باشیم. بدیهی است بازنشر این آثار به عنوان یک بازنگری تاریخ هنری و معرفی بخشی از مستندات و منابع پژوهش در هنر معاصر صورت می‌گیرد. این نمایشگاه مجازی زیر نظر هادی مظفری با گردآوری و تدوین اردشیر میرمنگره به مدت ۱۰ روز در فضای مجازی منتشر می‌شود.